



The Scientific Authority of the Quran from the Perspective of Allama Sheikh Jafar Sobhani Tabrizi

Isa Isazadeh¹

Received: 2024/03/11 • Revised: 2024/09/08 • Accepted: 2025/01/25 • Published online: 2025/05/28



Abstract

The Quran, as the only divine book preserved from any form of distortion, aims to guide humanity in all eras and repeatedly invites reflection upon its verses. One of the significant areas requiring contemplation is the relationship between the Quran and various human sciences, including the humanities. One way to explore this relationship is by examining the views of scholars who have devoted their lives to a profound understanding of this divine table. Among those who have meticulously studied the Quran from this angle is Allama Sheikh Jafar Sobhani Tabrizi. The present study, aiming to explore his views, utilizes his written and spoken works through a descriptive and library-based methodology to analyze his scientific positions regarding the various dimensions of the Quran's scientific authority. The findings reveal that Allama Sobhani acknowledges the Quran's scientific authority over a broad range of sciences, including Islamic sciences such as jurisprudence and theology, as well as humanities like management and sociology.

Keywords

Quran, authority, sciences, comprehensiveness, Sobhani Tabrizi

1. Assistant Professor, Department of Quran Exegesis, Research Center for Quranic Culture and Sciences, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. Email: e.eisazadeh@isca.ac.ir

* Isazadeh, I. (2025). The Scientific Authority of the Quran from the Perspective of Allama Sheikh Jafar Sobhani Tabrizi. *Journal of Studies of Quranic Sciences*, 6(22), pp. 187-209.

<https://doi.org/10.22081/jqss.2025.68731.1290>

مرجعية القرآن الكريم العلمية من منظور العلامة الشيخ جعفر سبحاني التبريزي

عيسى عيسى زاده^١

تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٣/١١ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٩/٠٨ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠١/٢٥ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٥/٢٨



الملخص

إن القرآن الكريم، باعتباره الكتاب الإلهي الوحيد المحفوظ من أي تحريف، قد دعا الناس مراراً إلى التأمل في آياته بهدف هداية البشرية عبر كل العصور. ومن المسائل التي تتطلب التدبر والتأمل في الآيات الإلهية نوعية علاقة القرآن بعلوم أبناء البشر المختلفة، كالعلوم الإنسانية. إن إحدى الطرق لتحقيق مثل هذه العلاقة هي دراسة آراء المفكرين الذين قضوا حياتهم في فهم هذه المائدة السماوية بعمق. ومن العلماء الذين درسوا الآيات الإلهية من هذا المنظور العلامة الشيخ جعفر السبحاني التبريزي. وفي هذه الدراسة، وبهدف الوصول إلى آرائه، حاولنا دراسة وتحليل مواقفه العلمية من مختلف جوانب مرجعية القرآن الكريم العلمية، بالاستفادة من مؤلفاته الكتابية والتعبيرية، وباستخدام المنهج المكتبي والوصفي. وبعد دراسة ملاحظات العلامة سبحاني تبين أنه يؤمن بالمرجعية العلمية للقرآن الكريم في مختلف العلوم، بما في ذلك العلوم الإسلامية كالفقه وعلم الكلام وغيرهما، والعلوم الإنسانية كعلم الإدارة وعلم الاجتماع وغيرهما.

الكلمات الرئيسية

القرآن، المرجعية، العلوم، الشمولية، سبحاني التبريزي.

١. أستاذ مساعد، قسم التفسير، معهد الثقافة والمعارف القرآنية التابعة للمعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.
 e.eisazadeh@isca.ac.ir

* عيسى زاده، عيسى. (٢٠٢٥م). مرجعية القرآن الكريم العلمية من منظور العلامة الشيخ جعفر سبحاني التبريزي - الترويجية لدراسات علوم القرآن، ٦ (٢٢)، صص ١٨٧-٢٠٩.



مرجعیت علمی قرآن از منظر علامه شیخ جعفر سبحانی تبریزی

عیسی عیسی زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۶/۱۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۶ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۰۷

چکیده

قرآن به عنوان یگانه کتاب آسمانی محفوظ مانده از هر گونه تحریف، با هدف هدایت بشر در تمام عصرها، بارها انسان‌ها را به تفکر در آیاتش دعوت کرده است. یکی از موضوعات نیازمند به تأمل و تدبر در آیات الهی، کیفیت رابطه قرآن با علوم مختلف بشری همانند علوم انسانی است. یکی از راه‌های دستیابی به چنین رابطه‌ای، بررسی آرای اندیشمندانی است که عمر خویش را در فهم عمیق این مائده آسمانی صرف کردند. از دانشمندانی که آیات الهی را از این جهت مورد بررسی دقیق قرار داده است، علامه شیخ جعفر سبحانی تبریزی است. در پژوهش پیش‌رو با هدف دستیابی به آرای ایشان، تلاش شده است تا با بهره جستن از آثار قلمی و بیانی ایشان، با شیوه کتابخانه‌ای و توصیفی، مواضع علمی ایشان درباره ابعاد گوناگون مرجعیت علمی قرآن بررسی و تحلیل شود. پس از بررسی ملاحظات علامه سبحانی، مشخص شد که ایشان قایل به مرجعیت علمی قرآن برای علوم مختلف اعم از علوم اسلامی مثل فقه، کلام و... و علوم انسانی همچون دانش مدیریت، جامعه‌شناسی و... است.

کلیدواژه‌ها

قرآن، مرجعیت، علوم، جامعیت، سبحانی تبریزی.

۱. استادیار گروه تفسیر، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

e.eisazadeh@isca.ac.ir

* عیسی زاده، عیسی. (۱۴۰۳). کنکاشی در «تفسیر تسنیم» و تحلیل کمی منابع مورد استناد در آن (مطالعه موردی «سوره حمد»). فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۶(۲۲)، صص ۱۸۷-۲۰۹.

<https://Doi.org/10.22081/jqss.2025.68731.1290>

مقدمه و تبیین مسئله

سیطره علوم و دانش‌های غربی بر جوامع اسلامی یکی از خطرات جدی است که هویت اسلامی مسلمانان را مورد تهدید قرار داده است؛ زیرا این علوم بشری تولیدشده براساس جهان‌بینی مادی و نگرش اومانیستی منفک‌شده از معارف و حیانی، نتیجه‌ای جز فراموشی خدا و رستاخیز و هدف از آفرینش، در پی نخواهد داشت؛ ازاین‌رو ضرورت دارد تا اندیشمندان اسلامی با بهره‌گیری از منابع غنی و حیانی و مکتب پویای اهل بیت (علیهم‌السلام)، پایه‌ها و مبانی دانش‌های مورد نیاز بشری را با رویکرد جهان‌بینی الهی، کشف و جایگزین علوم مبتنی بر جهان‌بینی مادی و نگرش اومانیستی نمایند.

با توجه به نکته یادشده یکی از دانشمند بزرگ اسلامی که در لابالای مباحث تفسیری و سخنان خویش در مجامع علمی به گونه‌هایی از این مسئله اشاره کرده است، علامه شیخ جعفر سبحانی تبریزی است. در پژوهش پیش‌رو تلاش شده تا با بررسی آثار مکتوب و سخنرانی‌های ایشان درباره مرجعیت علمی قرآن کریم و دیگر موضوعات مرتبط، خلاصه‌ای از آرای ایشان ارائه شود.

۱. نگاهی گذرا به زندگی علامه سبحانی تبریزی

شایسته است در ابتدای این پژوهش جهت الگوپذیری از تلاش‌های عالمانه و خالصانه علامه سبحانی تبریزی گزارش مختصری از زندگی پر برکت ایشان عرضه شود.

علامه شیخ جعفر سبحانی تبریزی - متولد ۲۰ فروردین ۱۳۰۸ در تبریز - پس از فراغت از تحصیلات ابتدایی، در مکتب‌خانه مرحوم میرزا محمود فاضل، فرزند فاضل مراغی از شاگردان شیخ اعظم انصاری، به فراگیری متون ادب پارسی پرداخت. سپس در ۱۴ سالگی در مدرسه علمیه طالبیه تبریز به آموختن مقدمات علوم و سطوح پرداخت.

یادگار قلمی ایشان در ۱۷ سالگی دو کتاب «معیار الفکر» (در منطق) و «مذهب البلاغة» (در علم معانی، بیان و بدیع) است.

ایشان در مهر ماه ۱۳۲۵ با ورود به قم، در راستای تکمیل دروس سطح، باقیمانده

فرائد الاصول را نزد آیت الله میرزا محمد مجاهدی تبریزی (۱۳۷۹-۱۳۲۷ق) و آیت الله میرزا احمد کافی (۱۴۱۲-۱۳۱۸ق) و کفایة الاصول را نزد آیت الله العظمی گلپایگانی (م ۱۴۱۴ق) بیاموخت.

ایشان پس از تکمیل دروس سطح در ۱۳۶۹ق، در درس خارج فقه و اصول بزرگانی همچون: آیت الله العظمی بروجردی، آیت الله حاج سید محمد حجت کوهکمری، آیت الله العظمی امام خمینی، حضور یافت. ایشان یک دوره درس خارج اصول امام خمینی را نوشت که در همان زمان به چاپ رسید.

از فعالیت‌های ایشان، شرکت در تأسیس مجله مکتب اسلام، شرکت در تدوین قانون اساسی، شرکت در مبارزات حق طلبانه روحانیت علیه رژیم فاسد، تألیف نخستین تفسیر موضوعی قرآن (منشور جاوید)، ایجاد رشته تخصصی کلام اسلامی در حوزه علمیه قم، مبارزه با وهابیت از طریق تألیف و سخنرانی و پاسخ به شبهات.

ایشان آثار علمی ارزشمندی در موضوعات مختلف بویژه در حوزه کلام، تاریخ، تفسیر، فقه و اصول نگارش کرده‌اند، آثار مرتبط با موضوع مرجعیت علمی قرآن عبارت است از دو کتاب «مفاهیم القرآن» و «منشور جاوید». این دو اثر قرآنی نخستین تفسیر موضوعی است که هر کدام در ده جلد منتشر شده است.

۲. مفهوم‌شناسی واژگان

۱-۲. قرآن

کلمه قرآن، در اصل، مصدر و به معنای خواندن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۶۸). برخی گفته‌اند: قرآن اسم عَلَم غیر مشتق و مختص به کلام خدا است و همزه آن از حروف اصلی نیست (سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۲) و برخی دیگر آن را مشتق از «قرن الشَّیء بالشَّیء» (پیوند زدن و افزودن چیزی بر چیزی) دانسته‌اند، زیرا سوره‌ها و آیات و حروف آن بر هم افزوده شده و مقارنت دارند (سیوطی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۲). برخی دیگر آن را مهموز و مصدر «قرأت» دانسته‌اند که در واقع «مقرؤ» [خوانده شده] را قرآن

[خواندن] نامیده‌اند و دیدگاه دیگر آن است که قرآن وصف و از ماده «قرء» به معنای جمع است (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸).

قرآن وحی‌نامه اعجاز‌آمیز الهی است که به زبان عربی، به عین الفاظ به وسیله فرشته امین وحی (جبرئیل) از جانب خداوند و از لوح محفوظ، بر قلب و زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل گشته است، مشتمل بر ۱۱۴ سوره است و متن آن مقدّس، متواتر و قطعی الصدور می‌باشد (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۶۳۰).

علامه جعفر سبحانی تبریزی در تعریف قرآن فرمودند: «در معرفی قرآن همین بس که خداوند در عظمتش فرموده است: این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند...» (اسراء، ۹) و در سخنی دیگر فرمود: «ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز، و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است» (نحل، ۸۹) و دیگر ویژگی‌هایی که در قرآن به آن اشاره شده است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۱۱).

۲-۲. مرجعیت

مرجعیت مصدر جعلی از ماده «رجع» به معنای بازگشتن بوده (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۴۱) و دارایی معانی ذیل می‌باشد.

۱. مراجعه کردن به شخص متفکر و صاحب نظری که مردم برای نظرخواهی یا رفع مشکلات خود به او مراجعه می‌کنند، مانند مراجع تقلید. ۲. مراجعه کردن به آنچه برای دسترسی به اطلاعات و آگاهی‌های لازم درباره موضوعی محل رجوع است، مانند کتاب‌های مرجع. ۳. در دستور زبان به معنای کلمه است که ضمیر به آن بر می‌گردد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۷). ۴. دارای حاکمیت بر چیزی بودن و قدرت کنترل چیزی را داشتن (طلوع، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

۳-۲. مرجعیت علمی قرآن

مراد از مرجعیت علمی قرآن در علوم، اخذ و استفاده از داده‌ها و اطلاعات قرآنی برای تأسیس، تکمیل و تحول آن علوم است؛ یعنی در زمینه منابع مانند تاریخ،

انسان‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، در زمینه روش مانند روش شهودی، عقلی، نقلی و استنباطی و در جهت ارزش‌گذاری و هدفمندسازی علوم باید به قرآن مراجعه کرد و با محوریت داده‌های قرآنی به رفع نواقص و یا تکمیل علوم پرداخت (عالمی، ۱۳۹۶، ص ۲۲۱). و در تعریفی دیگر اینچنین آمده است: حاکم ساختن بایدها و نبایدهای قرآنی بر عرصه‌های علوم طبیعی و انسانی به منظور جهت‌گیری سالم در مسیر تکامل حقیقی انسان است؛ به عبارت دیگر، مراد از مرجعیت علمی قرآن پذیرش حاکمیت قرآن در زمینه نگرش‌های اعتقادی و کنترل کنش‌های انسانی در زمینه حکمت عملی و قرارداد دادن تلاش‌های عملی انسان در جهت نیل به سعادت و کمال حقیقی است، به گونه‌ای که روح توحید در ابعاد و جنبه‌های گوناگون دانش بشری سریان و حضور داشته باشد (طوسی، ۱۳۹۶، صص ۲۳۸-۲۳۹)؛ بنابراین، معنای مرجعیت قرآن در مثل علوم انسانی، یافتن تمام گزاره‌های علمی علوم انسانی از قرآن نیست، بلکه بنیان نهادن آنها با تکیه به مرجعیت قرآن و براساس مبانی، متد، محتوا و غایات الهی مورد تأیید قرآن است؛ به عبارتی دیگر این علوم یا متخذ از قرآن است و یا از سنت و سیره و حتی یافته‌های عقلی بشری که ضمانت قرآنی برای اطمینان‌بخشی و درستی دارند. به‌طور اساسی باید میان منبعیت و مرجعیت، تفاوت قایل شد و آن اینکه در مرجعیت، نوعی تحکّم و حاکمیت بالادستی مطرح است، ولی منبع، فقط بر محلّ اخذ اطلاعات اطلاق می‌شود؛ از این رو مرجعیت قرآن برتر از منبع بودن آن است و معنای مرجعیت قرآن، حاکمیت آموزه‌های قرآنی بر سایر قضایا و گزاره‌های بشری در علوم انسانی است (عظیمی، ۱۳۹۶، ص ۴۹۶).

۳. مبانی و اصول مرجعیت علمی قرآن

۱-۳. جامعیت قرآن

منظور از جامعیت قرآن آن است که قرآن کریم انسان را در همه عرصه‌های فردی و جمعی به بهترین راه سعادت و کمال و تعالی هدایت می‌کند. «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ؛ این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند» (اسراء، ۹). یعنی قرآن هدایتگری است که نیکی و بدی و خیر و شر را آشکارا بیان می‌کند (سیدرضی،

۱۴۱۵ق، خطبه ۱۶۷). راهنمای گویا و دستوری استوار است (سیدرضی، ۱۴۱۵ق، خطبه ۱۶۹). نشانه هدایت برای کسی است که در آن بنگرد (سیدرضی، ۱۴۱۵ق، خطبه ۱۹۸). کسی با قرآن همنشین نشد، مگر آنکه در هدایت او افزود و از کوردلی و گمراهی اش کاست (سیدرضی، ۱۴۱۵ق، خطبه ۱۷۶). قرآن سامان‌دهنده امور فردی و اجتماعی انسان‌هاست (سیدرضی، ۱۴۱۵ق، خطبه ۱۵۶). جامع علم آینده و حدیث گذشته است (سیدرضی، ۱۴۱۵ق، خطبه ۱۵۶) و اخبار گذشتگان و آیندگان و احکام مورد نیاز زندگی انسان‌ها را در خود جای داده است (سیدرضی، ۱۴۱۵ق، خطبه ۳۱۳).

علامه جعفر سبحانی درباره ابعاد گوناگون و دلیل جامعیت قرآن فرمودند: «قرآن، کتابی است جاودانه و دارای ابعاد گوناگون و بطون مختلف که در هر زمان اندیشه پیشرفت بشری به بُعدی از آن پی می‌برد و محققان شیفته قرآن در هر رشته از معارف می‌توانند بُعدی از آن را کشف کنند و پژوهش در آن تنها در انحصار عرفاء، فقهاء، فلاسفه، متخصصان علوم قدیم و الهیات نیست. اینکه امروز دانشمندان علوم طبیعی و ریاضی و یا علوم انسانی مانند روانشناسی و جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ، نکات نو و دقیقی از آن استفاده می‌کنند، خود نشانه آن است که این معجزه جاویدان دارای ابعاد مختلف و متنوعی است که در تصویر اندیشه‌های یک تیپ و پروژه یک فرهنگ و یک زمان نمی‌گنجد.» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۱۵-۱۶).

علامه طباطبایی جامعیت قرآن را در سه قلمرو؛ جامعیت عمقی (محتوایی)، جامعیت زمانی (جاودانگی) و جامعیت مکانی (جهان‌شمولی) می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۷). یکی از عوامل جامعیت قرآن کریم، نهایت‌ناپذیری قرآن است. علامه سبحانی درباره نهایت‌ناپذیری قرآن نکات ارزشمندی را به شرح ذیل ارائه کردند:

«هنوز نیم قرن از نزول قرآن نگذشته بود که دانشمندان اسلام برای فهم مطالب و استخراج گنجینه‌ها نهفته آن علوم و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کردند و در حقیقت بسیاری از رشته‌های علوم اسلامی همچون لغت، صرف، نحو، معانی، بدیع، قرائت، تجوید، قصص قرآن و شأن نزول آیات برای درک مفاهیم عالی قرآن پایه‌گذاری شد. با چنین توجه شایان تقدیر و با اینکه در این چهارده قرن متخصص‌ها روی کشف معانی

و درك مفاهيم بلند آن كار كرده و شب و روز آيات محدود آن را زير و رو كرده و مورد بررسى قرار داده‌اند، مع الوصف اين معجزه جاويدان كتاب اسرار آميز عجيبى است كه هنوز پنجه فكر بشر به همه اسرار و گنجينه نهفته آن دست نيافته است و هرچه درباره معارف عقلى و قوانين اجتماعى و اخلاقى و سائر تعاليم آن غور و بررسى مى‌كند هر روز مطالب و مفاهيم تازه‌ترى از آن استخراج مى‌نمايد، كه متخصصان پيشين قرآن از آن غفلت داشتند. تو گويى قرآن اقيانوس ژرف و ناپيدا كرانه‌اى است كه با هيچ قدرتى نمى‌توان به ژرفاى آن رسيد و با هيچ نيروى نمى‌توان بال اندیشه را در كرانه‌هاى آن به پرواز در آورد. تو گويى قرآن نسخه دوم جهان طبيعت است كه هرچه بينش‌ها وسيع‌تر و ديده‌ها عميق‌تر گردد، هرچه درباره آن بحث و بررسى، تحقيق و مطالعه انجام گيرد، رموز و اسرار آن تجلى بيشتر كرده و حقايق كاملاً تازه‌اى از آن به دست مى‌آيد و از كتاب خداى نامتناهى جز اين نيز انتظار نيست. هرگاه وجود او نامتناهى و نامحدود است و براى وجود او هيچ نوع حدودمرزى نيست، بايد كتاب او نيز نشانى از خود او داشته باشد و بسان آفتاب خود گواه خویش و راهنمای ديگران باشد» (سبحانى تبريزى، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۲-۱۳).

علامه سبحانى در ادامه براى نهايت‌ناپذيرى قرآن به كلام پيامبر اكرم صلی الله علیه و آله اشاره مى‌كند: پيامبر عالى‌قدر صلی الله علیه و آله نخستين كسى است كه به موضوع نهايت‌ناپذيرى مفاهيم و حقايق قرآن تصريح كرده است و آن را بزرگ‌ترين معرف قرآن قرار داده است، آنجا كه مى‌فرمايد: «له ظهْرٌ و بطنٌ فظاهرُهُ حَكْمٌ و باطنُهُ عِلْمٌ ظاهرُهُ اَنِيْقٌ و لا تُبلى غَرائِبُهُ اَنِيْقٌ و باطنُهُ عميقٌ له تَخَوْمٌ و على تَخَوْمِهِ تَخَوْمٌ لا تُحصى عَجَائِبُهُ و لا تُبلى غَرائِبُهُ فیه مصابيحُ الهدى و منارُ الحِكْمَةِ؛ براى قرآن ظاهر و باطن است، ظاهر آن فرمان و دستور است و باطن آن علم و دانش معانى عميق آن در قالب الفاظ زيبا ريخته شده است. قرآن داراى اصل و هر اصلى از آن ريشه و اصلى دارد. شگفتى‌هاى آن پايان‌پذير نيست و حقايق آن هميشه تازه و آيات آن مشعل‌هاى هدايت و سرچشمه حمكت مى‌باشد» (رواندى كاشانى، بى‌تا، ص ۲۲؛ سبحانى تبريزى، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۳).

علامه سبحانى در ادامه براى توضيح بيشتر درباره پايان‌ناپذيرى قرآن به سخنان

امیرالمومنین (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) استاد کرده است: برای پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نخستین تربیت یافته مکتب او امیرمومنان (علیه السلام)، قرآن مجید را چنین توصیف می کند: «ثُمَّ أُنْزِلَ عَلَيْهِ الْكِتَابُ نُورًا لَا تُلْفَأُ مَصَابِيحُهُ وَ سِرَاجًا لَا يَخْبُو تَوَقُّدُهُ وَ بَحْرًا لَا يُدْرِكُ قَعْرُهُ وَ ... وَ بَحْرٌ لَا يَنْزِفُهُ الْمُسْتَرْفُونَ وَ عُيُونٌ لَا يُنْصِبُهَا الْمَتَاتِحُونَ وَ مَنَاهِلٌ لَا يَغِيضُهَا الْوَارِدُونَ؛ قرآن آن مشعل هدایتی است که خاموش نمی شود و چراغی است که بر افروختگی آن فرو نمی نشیند و دریایی است که ته آن پیدا نمی شود و آب آن با کشیدن خالی نمی گردد و چشمه هایی است که آب آن هرگز کم نمی شود و واردین بر آن از آب آن نمی کاهند» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، صص ۳۱۵-۳۱۶). شخصی از حضرت امام رضا (علیه السلام) پرسید: «مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عَلَى النَّشْرِ وَ الدَّرْسِ إِلَّا عَصَاصَةً قَالَ: إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَى) لَمْ يَجْعَلْهُ لِرِمَانٍ دُونَ رِمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ، وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ عَظٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ چرا تدریس و بررسی قرآن از تازگی و طراوت آن نمی کاهد، بلکه بر طراوت آن می افزاید؟ امام در پاسخ وی فرمود: خداوند قرآن را برای زمان معینی و مردم خاصی فرو نفرستاده است؛ از این نظر در هر زمانی تازه و نزد همه ملل جهان تا روز رستاخیز تازه است» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۸۱). امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در این حدیث نه تنها به موضوع «نهایت ناپذیری» قرآن اشاره نموده است، بلکه به بیان علت آن پرداخته و نکته آن را روشن ساخته است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۱۳-۱۴).

۳-۲. جهان شمولی و جاودانگی

قرآن مجید برای هدایت همگان در همه زمان ها نازل شده است و همه افراد بشر که در پهنه زمین و گستره زمان بسر می برند می توانند از رهنمودهای آن برخوردار شوند: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ؛ این قرآن جز تذکاری برای عالمیان نیست» (انعام، ۹۰) و «نَذِيرًا لِلْبَشَرِ؛ [این کتاب] بیم دهنده برای بشر است» (مدثر، ۳۶). بر این اساس هیچ گاه گرد کهنگی و غبار فرسودگی بر آن نمی نشیند و همیشه تازه است. امام باقر (علیه السلام) با تشبیه معقول به محسوس، جاودانگی قرآن را به همواره بودن دو اختر فروزان آفتاب و مهتاب

مانند ساخته، می‌فرماید: «يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ؛ قرآن مانند مهر و ماه، همیشه در جریان است» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۱) تا زندگی انسان‌ها را تا پایان دنیا روشن کند. یکی از رسالت‌های این کتاب آن است که همواره نقص و نقض فرآورده‌های بشری را به وی تفهیم کند و انسان را از پندار استغنا نسبت به معبود خود بر حذر دارد. آری به همین دلیل است که قرآن کریم، کتابی جهان‌شمول و جاودانه است و محتوای آن از آموزه‌های متنوع و گستره آن از ملک تا ملکوت است و با قالب‌بندی‌های مختلف از برهان، تمثیل، جدال، گزینش صحنه‌های تاریخی، پرسش، تکرار و ... در عین ظرافت‌های گوناگون بیانی و تصویری، شکل گرفته است.

علامه سبجانی درباره جهان‌شمولی معارف قرآن فرمود: محور و گستره تشریع و قوانین قرآن نوع انسان است، منهای هر نوع قیدی همچون قومیت، سرزمین، طائفه و رنگ که در این صورت توصیه‌های قرآن برای تمام انسان‌ها است، همان‌گونه که در خود قرآن انسان بدون قید مورد خطاب قرار گرفته است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است» (حجرات، ۱۳). در این آیه معیار کرامت و برتری انسان‌ها فقط تقوا قرار گرفته است نه چیز دیگر. و همچنین در کلام دیگر آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛ ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست؛ (درمانی برای دل‌های شما) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان» (یونس، ۵۷) (سبجانی تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۲۰).

علامه طباطبایی نیز در مورد جهان‌شمولی قرآن می‌نویسد:

قرآن مجید در مطالب خود به امتی از امت‌ها مانند امت عرب یا طائفه‌ای از طوایف مانند مسلمانان اختصاص ندارد، بلکه با طوایف خارج از اسلام نیز سخن می‌گوید و اعتبار و صحتش محدود به وقت و مخصوص به زمان معین نیست (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۳۷).

۳-۳. منبعیت قرآن

در اندیشه اسلامی مهمترین منبع فهم و استنباط مسائل، احکام و علوم بشری و نیز تعقل، فرزاندگی و رشد عقلانی انسان، قرآن کریم است؛ ازاین رو در یک نگاه، همان گونه که طبیعت منبع تغذیه جسمانی انسان است (ر.ک: مؤمنون، ۱۹، ۲۰؛ عبس، ۲۹، ۳۲؛ نحل، ۱۱، ۶۶)، قرآن منبع تغذیه معنوی انسان است (ر.ک: اسراء، ۸۲؛ رعد، ۲۸؛ یونس، ۵۷؛ فصلت، ۴۴)؛ یعنی هم شریعت (به معنای عام) و هم طبیعت، دو واقعیت بیرونی و دو منبع برای تعقل و اندیشه‌ورزی انسان است، تا جایی که به یک اعتبار خود انسان را نیز می‌توان در حوزه طبیعت قرار داد، بدین‌روی، نفس انسان نیز منبعی برای تعقل و اندیشه‌ورزی است. چنانچه در دانش عرفان برای تعالی انسان، شناخت خود انسان، ارتباط و تعامل با خود انسان و تأمل و تدبر در خود انسان مطرح می‌شود. «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۲).

البته هیچ کدام از منابع یادشده قرارگاه انسان نیستند، بلکه گذرگاه‌اند. در واقع این گذرگاه‌ها برای نیروبخشی انسان در جهت رسیدن به هدف نهایی، یعنی تقرب به خداوند است؛ ازاین رو، در صورت توقف انسان در آنها و یا غفلت از آنها، حرکت و تعالی انسان نیز متوقف می‌شود که نوعی تنزل است و یا ایستا است که باز ایستایی نیز نوعی تنزل است؛ بنابراین انسان با دو بال یعنی شریعت و طبیعت به سمت هدف نهایی، یعنی تقرب الی الله سیر می‌کند. ازاین رو، قرآن کریم قبل از آنکه برای علوم انسانی مرجع باشد، منبع برای تعقل و اندیشه‌ورزی است (حکیمی و دیگران، ۱۳۹۶، ج ۱، صص ۶-۸).

علامه جعفر سبحانی در بیان علت منبع‌بودن قرآن برای علوم مختلف فرمودند: «مرور زمان دید و بینش جدید و نویی به افراد عنایت کرده است و هر گروهی نسبت به موضوع مورد علاقه خود از قرآن، برداشت خاصی دارند و بهره‌گیری از قرآن در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اخلاقی در حال تزايد و افزایش است و محققان اسلامی با این کار و ایجاد روش‌های جدید، حقایقی را از قرآن استخراج می‌کنند که هر گز از

فکر اندیشمندان دینی خطور نمی کرد، زیرا وسیله استخراج این معانی بدیع از قرآن را نداشته اند» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۵).

۳-۴. مصونیت قرآن از تحریف

یکی از مبانی مرجعیت علمی قرآن، اثبات مصونیت قرآن از تحریف لفظی است، زیرا نمی شود قرآن تحریف شده مرجعیت علمی قرار گیرد. علامه سبحانی برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف دلایلی ذکر کرده اند که برخی از آنها چنین است:

۳-۴-۱. احادیث عرضه به قرآن

یکی از دلایل مصونیت قرآن از تحریف وجود روایات عرضه کردن احادیث اهل بیت به قرآن است که این روایات در حد تضافر به ما رسیده است. شیخ حر عاملی آن روایات را در باب نهم از ابواب صفات قاضی در کتاب وسائل الشیعه نقل کرده است. در اینجا به ذکر چند مورد اکتفا می شود:

مرحوم کلینی از سکونی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای هر حقی نمودار درستی است و بر فراز هر صوابی پرتو درخشانی، آنچه با کتاب خدا موافق است عمل کنید و آنچه مخالف کتاب خدا است و نهید (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۹).

ایوب بن راشد از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: هر حکمی به کتاب و سنت ارجاع می شود، و هر حدیثی که با کتاب خدا موافق نباشد ساختگی است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۹).

وجه دلالت:

الف) از عرضه کردن احادیث به قرآن این گونه فهمیده می شود که قرآن کریم مقیاس حق و باطل بودن احادیث تعیین شده است و از سویی دیگر هر گونه تحریف، تبدیل و تصرف با مقیاس بودن قرآن منافات دارد؛ در نتیجه در صورتی قرآن می تواند

مقیاس و معیار صحت و باطل بودن احادیث قرار گیرد که از هرگونه تحریف مصون بوده باشد.

ب) تأمل در روایات عرضه این نکته را ثابت می‌کند که شرط لازم در صحت روایت عرضه شده، مخالف نبودن با قرآن است، نه موافق بودن و گرنه لازم می‌آید که بسیاری از روایات از رده خارج شود، چون قرآن هیچ اشاره‌ای نفیاً و اثباتاً به مفاد آن روایات نکرده است. این مخالفت و موافقت با قرآن قابل شناخت نیست، مگر آنکه قرآن با تمام سوره‌ها و آیاتش نزد ما موجود باشد و گرنه ممکن است روایت مخالف با آن آیه‌ای باشد که حذف یا تحریف شده است؛ بنابراین شرط عرضه روایات به قرآن، مصونیت قرآن از هرگونه تحریف است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵، صص ۴۷-۴۸).

۳-۴-۲. حدیث ثقلین

دومین دلیلی که علامه سبحانی برای مصونیت قرآن از هرگونه تحریف اقامه نموده حدیث ثقلین است. رسول خدا ﷺ در حدیث ثقلین به تمسک به قرآن و اهل بیت ﷺ سفارش نموده است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲۹۴؛ خراز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۳۷). از این کلام استفاده می‌شود قرآن مورد تحریف واقع نشده است، چراکه اولاً، دستور به تمسک به قرآن فرع بر این است که قرآن در اختیار متمسکین باشد و ثانیاً در صورت قول به تحریف بخشی از قرآن و سوره‌ها سبب می‌شود از اطمینان از موارد موجود از قرآن حاصل نشود، زیرا احتمال دارد که موارد حذف شده قرینه‌ای بر مراد از آیه موجود باشد (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۴۷).

۳-۴-۳. کلام اهل بیت ﷺ

سومین دلیلی که علامه سبحانی برای مصونیت قرآن از تحریف ارائه کرده، کلام معصومین است. ایشان در استدلال به این دلیل فرمودند: دقت در خطبه‌های امیرالمومنین علی علیه السلام و کلمات معصومین ﷺ این مطلب را ثابت می‌کند که قرآن از هرگونه تحریفی مصون و محفوظ مانده است که به‌عنوان نمونه به کلامی از حضرت علی علیه السلام در این باره

اکتفا می‌شود. آن حضرت فرمود: «و قرآن را که بیان‌دارنده هر چیز است بر شما فرو فرستاد، و پیامبر خویش را روزگاری میان شما زندگانی داد، تا با آیه‌ها که در کتاب خود نازل فرمود دینی را که پسندید، برای او و شما کامل نمود» (سیدرضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۸۶). این کلام حضرت علی علیه السلام صراحت دارد در اینکه دین در سایه کتاب کامل شد آن‌گاه چطور می‌شود دین در سایه کتابی که تحریف شده است کامل گردد؟ پس معلوم می‌شود که قرآن مصون از تحریف است که دین در سایه آن کامل گردید (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۴۸).

۳-۵. امکان استخراج حقایق دانش‌های گوناگون از قرآن

یکی دیگر از مبانی مرجعیت علمی قرآن، امکان استخراج حقایق دانش‌های گوناگون از قرآن است. علامه سبحانی درباره علت امکان استخراج حقایق علوم از قرآن فرمودند:

«با در نظر گرفتن سخن ابن عباس «إِنَّ الْقُرْآنَ يُفَسِّرُهُ الزَّمَانُ» که مرورو گذشت زمان قرآن را تفسیر می‌کند، ما در این قرن گذشته از صدق گفتار ابن عباس آگاه شدیم، زیرا نه تنها مرور زمان به دانشمندان طبیعی امکان بخشیده است که حقایقی از قرآن پیرامون خلقت زمین و آسمان و دیگر پدیده‌های طبیعی استخراج کنند، بلکه مرور زمان که توأم با شکوفایی دانش‌ها و بینش‌های علمی انسان است به مفسران امکان بخشیده که حقایقی بسیار ارزنده‌ای را از قرآن استخراج نمایند» (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳، صص ۱۶-۱۷).

۳-۶. توجه به جایگاه انسان در قرآن

یکی از مبانی برای تولید دانش براساس آموزه‌های وحیانی قرآن، نوع نگاه به انسان است. ایشان در این باره فرمودند:

«از دیدگاه قرآن انسان خلیفه و جانشین خداوند در زمین است (بقره، ۳۰) که امانت الهی را بر دوش می‌کشد (احزاب، ۷۲) و هدف او هم دسترسی به تکامل و قرب الهی و نیل به سعادت دنیوی و اخروی است و اگر بناست ابعاد مادی و معنوی انسان به‌عنوان

علوم انسانی چه طبیعی و چه غیرطبیعی مورد بررسی قرار گیرد، باید این جایگاه به عنوان رکن اساسی این علوم مورد عنایت قرار گیرد» (سخنرانی علامه سبحانی در کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی). ایشان در سخنی دیگر فرمودند:

«اگر علما و اندیشمندان اسلامی می گویند علوم انسانی را قرآنی و وحیانی کنیم، مرادشان این است که در تدوین علوم انسانی باید جایگاه قرآنی انسان و ارتباط او با خدا و عالم غیب مورد توجه قرار گیرد و اگر مسائلی درباره ابعاد گوناگون زندگی انسان مورد بررسی قرار می گیرد چه بعد مادی و چه بعد روانی و یا دیگر ابعاد مورد نظر مثل بعد اجتماعی، فرهنگی، و سیاسی در همه این موارد باید شخصیت قرآنی انسان و اهداف خلقت وی مورد عنایت جدی قرار گیرد» (سخنرانی علامه سبحانی در کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی).

بنابراین یکی از مباحثی که قبل از هرگونه اقدام در تدوین علوم انسانی اسلامی براساس آموزه های وحیانی باد تبیین گردد، تفاوت نگاه اندیشمندان اسلامی و دانشمندان غیراسلامی درباره انسان است. علامه سبحانی در این باره فرمودند:

«نگاه دانشمندان علوم انسانی در غرب با دانشمندان اسلامی درباره جایگاه انسان، مسائل مربوط به انسان و اهداف و غایات خلقت انسان متفاوت است. در غرب، انسان منهای وحی و بریده از خدا و عالم غیب و موجودی تولیدکننده و مصرف گرا مورد بررسی قرار می گیرد، اما در نگاه قرآن انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین و امانت دار الهی مورد مطالعه قرار می گیرد و منشاء مسائلی همچون خداگرایی نیز از دیدگاه غریبون ترس و نیاز است، اما در اسلام، منشاء آن فطرت است و یا در مسائل اخلاقی، ارزش های اخلاقی از نگاه قرآن اصالت دارد، ولی از نگاه غرب ارزش های اخلاقی براساس سود و زیان مورد بررسی قرار می گیرد؛ بنابراین، علوم انسانی در غرب درباره انسانی تعریف و تدوین می شود که هیچ رابطه ای با خدا ندارد، بلکه فقط به زندگی دو روزه دنیوی او توجه دارد؛ البته شاید عده ای از آنها اعتقاد به خدا و عالم قیامت هم داشته باشند، ولی این اعتقاد را هنگام بررسی و تولید علوم انسانی و علوم طبیعی مورد دخالت و توجه قرار نمی دهند، اما در اسلام می بایست خداگرایی و آخرت گرایی در تمام مواردی که به

ابعاد گوناگون انسان می‌پردازد، مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس گفته می‌شود که علوم انسانی که بخواهد سعادت انسان را فراهم نماید، باید بر اساس خدامحوری تدوین شود، آنهم برای انسانی که خداوند او را برای ما معرفی کرده است نه انسان بریده از خدا و عالم قیامت» (سخنرانی علامه سبحانی در کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی).

البته وجود تفاوت دلیل استفاده نکردن از علوم غربی نیست. علامه سبحانی در این باره فرمودند:

«با عنایت به اینکه پایه علوم انسانی غرب دچار تضاد است، اما شاید نکاتی در محصولات آنها وجود داشته باشد که قابل استفاده باشد؛ بنابراین مراد از تولید علوم انسانی اسلامی این نیست که کلاً تمام تلاش‌های آنها نادیده گرفته شود، چرا که شاید بعضی مسائل علوم انسانی آنها برگرفته از دلایل عقلی و تجربی باشد که بتوان از آنها استفاده کرد؛ البته به شرطی که با اصول و حیانی اسلام منافات نداشته باشد» (سخنرانی علامه سبحانی در کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی).

۳-۷. توجه به غایت آفرینش انسان

علامه سبحانی درباره نقش غایت آفرینش انسان در تولید علوم انسانی فرمودند: «بدون توجه به غایت خلقت بشر نمی‌توان ابعاد گوناگون زندگی او را مورد بررسی و علوم مورد نیاز آن بعد را تدوین کرد. متأسفانه در علوم غرب به دلیل بی‌توجهی به این امر مباحثی را مطرح کردند که با اهداف خلقت انسان در تضاد می‌باشد» (سخنرانی علامه سبحانی در کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی).

۳-۸. توجه به ارزش‌های اخلاقی قرآن

یکی از مبانی که در تدوین علوم انسانی اسلامی از دیدگاه علامه سبحانی باید مورد عنایت قرار گیرد توجه به ارزش‌های اخلاقی قرآن است، ایشان در این باره فرمودند: «توجه به اینکه ارزش‌های اخلاقی در قرآن که برای خویش اصالت دارد، در بررسی تولید علوم انسانی که به حوزه اخلاق مرتبط است، باید این اصول اخلاقی مورد دقت و

توجه اندیشمندان و پژوهشگران قرار گیرد» (سخنرانی علامه سبحانی در کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی).

۳-۹. توجه به زندگی ابدی

یکی از مبانی مهم در تولید علوم انسانی از نگاه علامه سبحانی، توجه به گذرآبودن زندگی دنیوی و معبربودن آن برای رسیدن به زندگی ابدی و جاودانه آخرت است و گر نه، علوم انسانی که فقط به بعد مادی انسان محدود شود مسائلیش نیز در همین محدوده خلاصه می‌شود که دیگر نتیجه‌اش تربیت انسان الی و متکامل و حیانی نخواهد بود، بلکه موجودی لذت‌گرت برای گذران چند روزه زندگی دنیوی خواهد بود (سخنرانی علامه سبحانی در کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی).

۴. گستره ورود قرآن به علوم

قرآن در اصول کلی علوم اسلامی و انسانی و غیر اینها ورود پیدا کرده است و بیان تفصیلی مسائل علوم را به سنت و اگذار کرده است، به‌طور مثال در علم فقه مباحث کلی نماز، زکات و خمس را بیان کرده، ولی جزئیات آن را به پیامبر ﷺ و معصومین  سپرده است، زیرا قرآن شامل دستورات کلی برای انسان‌ها است؛ بنابراین خدای متعال به همه نیازهای مادی و معنوی بشر در دنیا و آخرت توجه دارد؛ از این‌رو همان‌طور که برای نیازهای اقتصادی، آیات و قوانین نازل کرده، برای نیازهای معنوی نیز آیات و دستورات عبادی نازل کرده است و همان‌طور که به جنبه‌های فردی انسان پرداخته به جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، تربیتی، حقوقی و ... بشر نیز توجه کرده و آیات و مقررات آنها را نازل کرده است (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

آری قرآن پاسخ‌گوی همه نیازهای انسان در طول تاریخ به‌ویژه انسان‌های معاصر و به‌صورت خاص در حوزه علوم انسانی است، البته قرآن مثل قانون اساسی است که خطوط اساسی را بیان می‌کند و جزئیات را به عهده حجت‌های ظاهری (پیامبر و امامان علیهم‌السلام) و حجت باطنی (عقل) گذاشته و مطالب را به‌صورت قوانین کلی و

قضایای حقیقه (نه شخصی و جزئی) بیان کرده که قابل انطباق با هر عصر و نسل است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارائه شده در بررسی و تحلیل دیدگاه علامه شیخ جعفر سبحانی، درباره مرجعیت علمی قرآن می‌توان به نتایج ذیل اشاره کرد:

برای اینکه قرآن مرجعیت علمی داشته باشد، باید به جاودانگی و جامعیت قرآن و منبع‌بودن آن باور داشت و قرآن را کتابی جهان‌شمول دانست و نیز باید باور داشت که قرآن کریم از تحریف لفظی به زیاده و نقصان مصون است. از چنین کتابی استخراج حقایق علوم امکان دارد. مرجعیت علمی قرآن کریم و تولید علوم اسلامی و انسانی از قرآن کریم در گرو رعایت مبانی است؛ همچون جامعیت قرآن، جهان‌شمولی و جاودانگی قرآن، مصونیت قرآن از تحریف لفظی، امکان استخراج حقایق دانش‌های گوناگون از قرآن، توجه به جایگاه انسان قرآن، توجه به هدف از آفرینش انسان، توجه به ارزش‌های اخلاقی که در قرآن آمده است و توجه به زندگی ابدی.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱). بيروت: دار صادر.
- انوری، حسن و دیگران. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن (ج ۷). تهران: سخن.
- حکیمی عبدالمومن و دیگران. (۱۳۹۶). مبانی قرآنی تحول علوم انسانی با نگاهی بر اندیشه مقام معظم رهبری، مجموعه مقالات جریان شناسی و شخصیت های قرآن و علوم انسانی، کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی (ج ۱). قم: جامعه المصطفی العلمیه.
- خراز رازی، علی بن محمد. (۱۴۰۱ق). کفایه الاثر فی النص علی الائمة اثنی عشر. قم: بیدار.
- خرمشاهی، بهاء الدین. (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی (ج ۲). تهران: دوستان - ناهید.
- راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم، الدار الشامیه.
- رواندی کاشانی، سید فضل الله. (بی تا). النوادر. قم: دارالکتاب.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۵). مصادر الفقه الاسلامی و منابعه. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۳). منشور جاوید، نخستین تفسیر موضوعی به زبان فارسی (ج ۱، ۲). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۷ق). الانتقان فی علوم القرآن. (ج ۲). بیروت، دار الکتب العلمیه.
- سیدرضی، محمد بن حسین بن موسی. (۱۴۱۵ق). نهج البلاغه (محقق: صبحی صالح). بیروت: دارالأسوه.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۸۸). قرآن در اسلام. قم: بوستان کتاب.
- طلوع، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). فرهنگ پایه لانگمن. تهران: انتشارات جنگل.

طوسی محمدحسن. (۱۳۹۶). مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی (کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی). قم: جامعه المصطفی‌العلمیه.

طوسی، محمد بن حسن. (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ق). الأملی. قم: دارالثقافه.

عالمی، عبدالرئوف. (۱۳۹۶). مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی (کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی). قم: جامعه المصطفی‌العلمیه.

عظیمی محمد شریف. (۱۳۹۶). چستی و چگونگی مرجعیت قرآن در علوم انسانی، مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی (کنگره بین‌المللی قرآن و علوم انسانی). قم: جامعه المصطفی‌العلمیه.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). کتاب التفسیر (ج ۱، محقق: سیدهاشم رسولی محلاتی). تهران: چاپخانه علمیه.

۲۰۷

مُطالعات قرآنی

مرجعیت علمی قرآن از منظر علامه شیخ جعفر سبحانی تبریزی

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۲). الکافی (ج ۱). تهران: اسلامیه.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار (ج ۲). بیروت: دار احیاء التراث العربی.

References

* The Holy Quran

- Alami, A. (2017). *Proceedings of the International Congress on Quran and Human Sciences: Methodological perspectives*. Qom: Al-Mustafa International University. [In Persian]
- Anvari, H., et al. (2002). *Sokhan Comprehensive Dictionary* (Vol. 7). Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Ayyashi, M. b. M. (1960). *Kitab al-Tafsir* (Vol. 1, S. H. Rasuli Mahallati, Ed.). Tehran: Ilmiyyah Press. [In Arabic]
- Azimi, M. Sh. (2017). *The nature and methodology of Quranic authority in human sciences*. In *Proceedings of the International Congress on Quran and Human Sciences: Methodological perspectives*. Qom: Al-Mustafa International University. [In Persian]
- Hakimi, A., et al. (2017). *Quranic foundations of the transformation of human sciences with a look at the thought of the Supreme Leader*. In *Proceedings of the Congress on Trends and Figures in Quran and Human Sciences* (Vol. 1). Qom: Al-Mustafa International University. [In Persian]
- Ibn Manzur, M. b. M. (1993). *Lisan al-'Arab* (Vol. 1). Beirut: Dar Sadir. [In Arabic]
- Kharaz Razi, A. b. M. (1981). *Kifayat al-athar fi al-nass 'ala al-a'immah al-ithna 'ashar*. Qom: Bidar. [In Arabic]
- Khorramshahi, B. (1998). *Encyclopedia of the Quran and Quranic Studies* (Vol. 2). Tehran: Doostan – Nahid. [In Persian]
- Kulayni, M. b. Y. (1983). *Al-Kafi* (Vol. 1). Tehran: Islamiyyah. [In Arabic]
- Majlesi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar* (Vol. 2). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Raghib Isfahani, H. (1992). *Al-Mufradat fi gharib al-Qur'an*. Beirut: Dar al-'Ilm, al-Dar al-Shamiyyah. [In Arabic]

- Ravandi Kashani, S. F. (n.d.). *Al-Nawadir*. Qom: Dar al-Kitab. [In Arabic]
- Sayyid Radi, M. (1995). *Nahj al-Balaghah* (S. Salih, Ed.). Beirut: Dar al-Uswah. [In Arabic]
- Sobhani Tabrizi, J. (2004). *The Eternal Charter: The first thematic exegesis in Persian* (Vols. 1-2). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Sobhani Tabrizi, J. (2006). *Sources and foundations of Islamic jurisprudence*. Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Suyuti, J. (1986). *Al-Itqan fi 'ulum al-Qur'an* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. [In Arabic]
- Tabataba'i, S. M. H. (1996). *Al-Mizan fi tafsir al-Qur'an* (Vol. 1, 5th ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Tabataba'i, S. M. H. (2009). *The Quran in Islam*. Qom: Bustan-e-Ketab. [In Persian]
- Tolou, A. (2015). *Longman Basic Dictionary*. Tehran: Jungle Publications. [In Persian]
- Tusi, M. b. H. (1993). *Al-Amali*. Qom: Dar al-Thaqafah. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (n.d.). *Al-Tibyan fi tafsir al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Tusi, M. H. (2017). *Proceedings of the International Congress on Quran and Human Sciences: Methodological perspectives*. Qom: Al-Mustafa International University. [In Persian]